

## مکاشفه یوحنا باب ۲۱

آسمان و زمین جدید

۸ آنگاه آسمانی تازه و زمینی تازه دیدم. زیرا آن آسمان و زمین نخستین ناپدید شدند و دیگر دریایی وجود نداشت. ۲ شهر مقدّس یعنی اورشلیم تازه را دیدم که از آسمان از جانب خدا، مانند عروسی که برای شوهرش آراسته و آماده شده باشد، به زیر می‌آمد. ۳ از تخت صدای بلندی شنیدم که می‌گفت: «اکنون خانه خدا در میان آدمیان است و او در بین آنان ساکن خواهد شد و آنان قوم او، و او خدای آنان خواهد بود. ۴ او هر اشکی را از چشمان آنها پاک خواهد کرد. دیگر از مرگ و غم و گریه و درد و رنج خبری نخواهد بود، زیرا چیزهای کهنه در گذشته است.»

۵ سپس آن تخت‌نشین گفت: «اکنون من همه چیز را از نو می‌سازم.» و به من گفت: «این را بنویس زیرا این سخنان، راست است و می‌توان به آنها اعتماد کرد.» ۶ او به من گفت: «تمام شد! من الف و یاء، اول و آخر هستم. این است امتیاز کسی که پیروز شود؛ من به تشنگان از آب چشمه حیات، رایگان خواهم بخشید. ۷ من خدای او خواهم بود و او فرزند من. ۸ اما سزای ترسویان، بی‌ایمانان، فاسدان، آدم‌کُشان، زناکاران، جادوگران، بت‌پرستان و انواع دروغگویان، دریاچه‌ای از شعله‌های آتش و گوگرد خواهد بود. این است مرگ دوم.»

اورشلیم جدید

۹ آنگاه یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله پر از هفت بلاى آخر را به دست داشت آمد و به من گفت: «بیا، من عروس یعنی همسر برّه را به تو نشان خواهم داد.» ۱۰ او مرا در روح به کوه بسیار بلندی برد و شهر مقدّس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان، از نزد خدا به زیر می‌آمد. ۱۱ این شهر، با شکوه خدایی و مانند جواهری گرانبها می‌درخشید؛ آن مانند یشم بود و به روشنی بلور. ۱۲ دیوار بسیار بلندی با دوازده دروازه داشت که بر آنها دوازده فرشته بود و بر دروازه‌ها، نامهای دوازده طایفه بنی اسرائیل نقش بسته بود. ۱۳ سه دروازه به جانب مشرق بود، سه دروازه به جانب شمال، سه دروازه به جانب جنوب و سه دروازه به جانب مغرب. ۱۴ دیوار شهر بر دوازده سنگ بنا شده بود و بر آن سنگها، نامهای دوازده رسول برّه منقوش بود. ۱۵ فرشته‌ای که با من سخن می‌گفت، متری زرّین در دست داشت تا شهر و دیوارش و دروازه‌هایش را با آن اندازه بگیرد. ۱۶ شهر به شکل مربع و پهنا و درازایش یکسان بود؛ اندازه آن با متری که در دست داشت، دو هزار و چهارصد کیلومتر بود. درازا و پهنا و بلندیش برابر بود. ۱۷ دیوارش به بلندی یکصد و شصت و پنج متر بود، یعنی با مقیاس‌های انسانی که آن فرشته به کار می‌برد. ۱۸ دیوارش از یشم ساخته شده بود. خود شهر از زر ناب و مانند شیشه، پاک و شفاف بود. ۱۹ سنگهایی که دیوارهای شهر بر آنها بنا شده بود، به انواع گوهرها آراسته شده بود. نخستین سنگ بنا از یشم بود، دومی لاجورد، سومی عقیق سفید، چهارمی زمرد، پنجمی عقیق سرخ، ششمی عقیق جگری، هفتمی زبرجد سبز، هشتمی یاقوت کبود، نهمی یاقوت زرد، دهمی عقیق سبز، یازدهمی فیروزه و

دوازدهمی لعل بنفش بود. ۲۱ دوازده دروازه آن شهر عبارت از دوازده مروارید بود و هر دروازه از یک مروارید ساخته شده بود. خیابانهای شهر از زر ناب و مانند شیشه، پاک و شفاف بود.

۲۲ در شهر معبدی ندیدم، زیرا معبدش خود خداوند، خدای قادر مطلق و برّه بود. ۲۳ شهر نیازی به خورشید و ماه نداشت که بر آن بتابد؛ زیرا شکوه خدا بر آن نور می‌داد و چراغ آن برّه است. ۲۴ در نور او ملتها راه خواهند رفت و پادشاهان زمین همه جلال خود را به آنجا خواهند آورد. ۲۵ دروازه‌های شهر، در روز بسته نمی‌شوند و شب نیز در آنجا نخواهد بود. ۲۶ ثروت و جلال ملل به آنجا خواهد آمد، ۲۷ اما هیچ ناپاکی وارد آن نخواهد شد و نه کسی که گفتارش ناراست و کارهایش زشت و پلید است، بلکه تنها آن کسانی که نامشان در دفتر حیات برّه نوشته شده است به آن وارد می‌شوند.